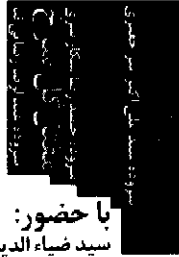




نقد و روش

بند و بررسی مجموعه اشعار:



با حضور:

سید ضیاء الدین ترابی
سید احمد نادمی
دکتر صابر امامی

زمان: دوشنبه، ۲۴/۷/۱۳۸۷ ساعت ۱۷:۳۰

مکان: حوزه هنری، سالن شماره ۳ تالار اندیشه

ورود برای عموم آزاد

گزارشی از جلسه نقد سه مجموعه شعر آیینی

امیرعلی روشن

گزارش

۷۷



شماره ۵۷
خرداد ۱۳۸۷

که نگاهی معاصر به دین دارند. دین اندیشانی چون مرحوم دکتر شریعتی و مرحوم علی صفایی جانی (ع.ص.) باعث این نگاه به دین هستند.

نادمی با اشاره به این که این کتاب همان گونه که از نامش پیداست با استفاده از سبک و فرم مقتل سروده شده است گفت: مقتل خاصیتی دارد که به راحتی نمی شود از آن گذشت و آن این که حادثه عاشورا را در گذر زمان به ما رسانده است. مقتل در ذات خود ذکر است. و ذکر یک مفهوم اساسی و رکنی در دین اسلام است که غیر از این که از لحاظ معنوی برای مؤمنان سودمند است، آن قدر اهمیت دارد که حتی اعراض از آن باعث تنگی معیشت می شود. مقتل ذکر و یادآوری است و من نمونه دیگر که این شکل و خاصیت را داشته باشد لااقل در دایره مذهب تشیع پیدا نکرده ام. گونه های دیگر دینی آیات و روایات و شروح آن ها هستند. از سوی دیگر مقتل در واقع تنها تاریخ نگاری در دایره مذهب شیعه است. و این تاریخ نگاری برخلاف تاریخ نگاری های دیگر بسیار جزء نگرانه است. مقتل در ذات خود فیکشنال است و دارای قصه. اما چون از حادثه ای عجیب سخن می گوید بسیار به شعر نزدیک می شود. و عجیب نیست که در ادبیات عاشورایی نیز شعر حرف اول را می زند. بعد از شعر نیز نقاشی است. و آن هم نوعی از نقاشی که در خدمت شعر است.

وی در مورد انتخاب این شیوه روایی توسط رضایی نیا گفت: انتخاب رضایی نیا انتخاب معقولی است. چرا که برای ارائه یکپارچه حوادثی متفاوت از فرم مقتل

در ادامه سلسله جلسات تخصصی نقد شعر، که پیش از این با عنوان «نقد شعر امروز» در حوزه هنری برگزار می شد، سالن شماره دو تالار اندیشه حوزه هنری در آخرین روز از ماه اردیبهشت میزبان سه منتقد بود تا به نقد، بررسی و تحلیل سه مجموعه شعر تازه منتشر شده بنشینند. سیداحمد نادمی، صابر امامی و ضیاءالدین ترابی سه منتقدی بودند که به ترتیب کتاب های مقتل گل سرخ سروده عبدالرضا رضایی نیا، آسمان زیر ابرها سروده حمیدرضا شکارسری و پایان رنگ های جهان سروده سیداکبر میرجعفری را بررسی کردند.

به گفته دکتر صابر امامی که مسؤلیت برگزاری این نشست ها را بر عهده دارد «این شکل از اجرای برنامه تاکنون در کشور تجربه نشده است. این نحوه برگزاری باعث می شود تا مخاطب از حداقل زمان برای آشنایی با سه اثر بهره برد و همین طور امکان بررسی و نقد آثار بیشتری برای دست اندکاران در طول سال فراهم می شود. کما این که آثار به لحاظ مضمون به نحوی انتخاب می شوند که پراکندگی در موضوع اتفاق نیفتد.»

گزارشی از این جلسه نقد را می خوانید.



سیداحمد نادمی نخستین منتقدی بود که سخن آغاز کرد. وی درباره محتوا و موضع شاعر مجموعه مقتل گل سرخ چنین گفت: کتاب مقتل گل سرخ با ادغان شخص شاعر، بر اساس آموخته هایی از دین اندیشانی فراهم آمده است



استفاده کرده است. و البته به شکلی معنادار. یک پاره کلاسیک و یک پاره نیمایی. او در حقیقت دو نوع ادبیات را در شعرش احضار کرده است. اگر چه در این مجموعه نوآوری خاصی در زبان یا قالب انجام نشده و زبان شعر خیلی آشناست. برای مثال آخرین بیت این مجموعه این است:

اگر چه سخت، سنگین، تلخ... زیباست
عزیزان! کربلا آینه ما است

که یادآور بیت بیدل است که: «آینه در کربلاست». همی طور ردبای زبان شاعران امروز نیز در این مجموعه پیداست.
در پایان نادمی گفت این‌ها اجمال سخن بود و وعده داد حرف‌های مفصل ترش را درباره این کتاب در نوشته ای بیان کند.

اما صابر امامی دومین منتقدی بود که رشته سخن را در دست گرفت و در آغاز گفت: ای کاش می‌شد سه منقد در کنار هم در باب هر سه کتاب سخن می‌گفتند. وی ادامه داد: من با نگاهی به شعرهای رضوی معاصر خود را برای صحبت آماده کردم. اولین نکته ای که در مطالعه چند دفتر کنگره شعر رضوی به آن رسیدم این است که، در این دفاتر ما با شعرهایی کلی گرا روبه رو می‌شویم که لزوماً ربط وثیقی را حضرت رضا ندارند و حتی می‌توانند برای بزرگ یا معصومی دیگر سروده شده باشند. مثال‌ها زیادند. در این مجموعه‌ها ما به غزل‌هایی می‌رسیم که کلی گویانه معشوقی را مدح می‌کنند. زبان همه شبیه هم و تشبیهات همه یکسان است و نهایتاً با اشاره به کبند طلا یا آهو یا کبوتر، متوجه می‌شویم که شعر یک شعر رضوی است و در متن شعر اشاره ای به انگیزش شاعر برای سرودن درباره امام رضا به چشم نمی‌خورد. و نیز شعرهایی که ما را به اطلاعاتی در خارج از شعر ارجاع می‌دهند. اطلاعاتی درباره زندگی شخصی شاعر یا اجتماع. که شاعر از آن‌ها با مخاطب خود که امام رضا است حرف می‌زند. و همچنین شعرهایی که از ماجراهایی صحبت می‌کنند. مثلاً ماجرای کرامت یا شقایق را روایت می‌نمایند. اما در تمام این شعرها امام رضا کسی است که کبندخلا و کبوتر دارد و روزی اهوپی را نجات داده است. حداکثر این است که حدیث سنبله الذهب یا قدمگاه یا نماز باران هم ذکر می‌شود. اما وقتی مخاطب در این میانه به مجموعه آسمان زیر ابرها می‌رسد، به این نتیجه می‌رسد که واقعاً قالب غزل به پایان رسیده است و کویی بار دوهزارساله تاریخ شعر بر دوش همه اشعار کلاسیک سنگینی می‌کند. مطالعه این مجموعه این مقایسه را برای ما آسان می‌کند. مجموعه شاعری که ادعای غزل نکرده و دچار تشبیه و استعاره و گل و شمع و پروانه نشده و می‌خواهد از حادقه ای حرف بزند. مبتلا نشدن به موزون کویی او را از دایره تصویر هم نسالاتش دور می‌کند. اما آیا او به آن چه باید دست پیدا کرده ما نه؟

امامی در ادامه افزود: به نظر می‌رسد کتاب آسمان زیر ابرها هم به سفارش سروده شده است. حتی اگر سفارش مستقیمی هم نبوده باشد، خود کنگره شعر رضوی سفارش دهنده ای غیرمستقیم است. وی گفت: وقتی فرار است مسئولین و شاعرانی دست به دست هم دهند تا یک ژانر ادبی به اسم شعر رضوی ثبت شود، حداقل انتظار این است که شاعران لااقل تاریخ شعر رضوی و تشیع را بررسی کرده باشند. علی‌الخصوص وقتی دقت می‌کنیم به این نکته که امام رضا تنها امامی است که شعر مدح خود را گوش کرده و مدح خود را امضا کرده است. پس باید به خود بگوییم این امام خودش چه نوع شعری را تأیید کرده است و این می‌تواند ما را به راهی در شعر رهنمون شود یا نه؟ چون شعری که امام رضا آن را شنیده خود می‌تواند معیار و برجمی باشد. درست است که ما می‌توانیم در شعر زبان و بیان خود را بیافرینیم. اما در حوزه شعر ایینی و رضوی باید برویم و تأیید خود حضرت رضا را ببینیم. حداقل دو کتاب «ادبیات

متعهد» علامه حکیمی و «ادبیات شیعه» دکتر آینه وند را بخوانیم و این تأیید و نظر را ببینیم.

امامی درباره مجموعه آسمان زیر ابرها گفت: شکارسری به این تئوری معتقد است که شعر آن جاست که کلام به خود ارجاع می‌دهد. اما شعر سوم این مجموعه گزارشی ست از میدان خراسان تهران. حتی نوع بیان این شعر هم بیان گزارشی است و ارجاع به بیرون دارد. اما چرا شاعر این متن را شعر می‌بیند و خودش هم دوبار در متن از واژه شعر استفاده می‌کند؟ به نظر من این دغدغه خود شاعر هم هست که مردد است این متن را شعر بدانند یا نه.
در پایان صابر امامی با قرانت چند شعر از این مجموعه به بررسی اجمالی آن‌ها پرداخت.

صیاعالدین ترابی سومین منتقدی بود که پست تریبون قرار گرفت و درباره مجموعه پایان رنگ‌های جهان سروده سیداکبر میرجعفری سخن گفت. ترابی سخن را با قرانت یکی از غزل‌های این مجموعه آغاز کرد و گفت: در غزل امروز هم می‌شود شعر گفت. حرف آقای امامی درست است. فضاها و نقل‌های تکراری کهنه است. اما باورداشت کهنه نمی‌شود. زاویه دید شاعر باید نو باشد و انگیزه او از درون باشد، نه بیرون. پس شاعری که برای دلش می‌گوید، صمیمی می‌گوید و عاطفه اش صمیمیتی دارد که مخاطب را متأثر می‌کند.
ترابی ادامه داد: اصولاً شعری نو است که یا در محتوا، یا در بیان و یا در زبان نو باشد. و مهم تر از همه این‌ها زاویه دید متفاوت است. طبیعی ست کسی که از زاویه دیگران نگاه می‌کند کار تکراری ارائه می‌دهد. مجموعه پایان رنگ‌های جهان شعرهایی مذهبی ست که در رابطه با اعتقادات شاعر سروده شده اند. در این مجموعه شعرها عمودی حرکت نمی‌کنند. در مقطعی شروع می‌شود که این مقطع نقطه برانگیختگی شاعر است و بعد توضیحات اییات بعدی این نقطه را بسط می‌دهند و کامل می‌کنند.

ترابی درباره محدودیت شاعر در مواجهه با موضوعات دینی گفت: شاعر در شعر مذهبی از همان اول محدودیت دارد. چون تخیلش نمی‌تواند هرچقدر بخواهد پرواز کند. این محدودیت فضای محدود و زبان و استعارات محدود را هم به دنبال خود می‌آورد. من پیش تر در مقاله ای گفته بودم که شعر دفاع مقدس را نباید با شعر ناب مقایسه کرد. حالا می‌خواهم بگویم شعر ایینی و مذهبی هم همین طور است. این نوع شعر در پی بیان مفاهیم خاصی ست. شاعر شعر عاشورایی نمی‌تواند آن قدر تخیلش را آزاد بگذارد که شعرش دیگر بویی از عاشورا نداشته باشد.

وی درباره زبان میرجعفری در مجموعه پایان رنگ‌های جهان گفت: در این مجموعه نوآوری زبانی خاصی وجود ندارد. زبان همان زبان است. اما زبان میرجعفری زبان روان و راحتی ست. او به واژگان تسلط دارد و البته بیش از اندازه مراقب است که حرفش مغایر یا مفاهیم مشهور ایینی نباشد. به نوعی که حتی هیچ پارادوکسی هم ایجاد نکند و همین نکته شعر او را محدود می‌کند. شاعر گاهی باید ریسک کند. هرچند حرفش جور دیگری تعبیر شود. ما این را از حافظ آموخته ایم. اما میرجعفری از این موقعیت پرهیز می‌کند.

ترابی در پایان گفت: بخشی از این مجموعه شعرهای نو است و این حرکتی جدید است که میرجعفری آغاز کرده. اما درباره آن‌ها در متن کلیت شعرهای سپید او می‌توان سخن گفت. در این جا تنها اشاره می‌کنم که به نظر من میرجعفری از جایی وارد شعر سپید شده است که جای درستی ست. نه مثل بعضی‌ها که از جای نامربوطی آغاز کرده اند. در نهایت این که من شعرهای این مجموعه را به خاطر صمیمیت و عاطفه غنی جاری در آن بسیار دوست دارم.